

تئوری ترجمه در غرب (۵)

داگلاس رابینسون
ترجمه عبدالله کوثری

مترجمی هراسان از پیامد ترجمه

الفریک^۱ (۱۰۱۰-۹۵۵)، روحانی و نویسنده انگلیسی، از مترجمانی است که تلاش او در آموزش کشیشان و گسترش تعلیمات مسیحیت در انگلستان قرن دهم جایگاهی نمایان دارد. او از محققانی بود که همچون شاه الفرد (۸۹۹-۸۴۹) به استفاده از زبان ساده در کتب مذهبی، به منظور آشنا کردن عامه مردم با تعلیمات مذهب، معتقد بود. از این روی بود که در تألیفات و ترجمه‌های خود از زبان مردم سود می‌جست. از تألیفات مهم او می‌توان به کتابی در نحو زبان لاتین، زندگی قدیسان و مجموعه‌ای از ادعیه مذهبی اشاره کرد. او بخشهایی از کتاب مقدس را به انگلیسی ترجمه کرد، اما نکته جالبی که در نوشته الفریک می‌بینیم این است که او از این که کتاب مقدس در دسترس عامه مردم قرار گیرد نگران بوده و از آن می‌ترسیده که مردم با خواندن این کتاب در پی تقلید از زندگی قدیسان عهد عتیق بر آیند.

از مقدمه کتاب (۹۸۹) *Catholic Homilies*

من الفریک طلبه خدمتگذار سرور نیکوکار و ارجمندمان اتل ولد^۲ سلام و شادباش خود را به درگاه عالی جناب اسقف اعظم سیگریک^۳ تقدیم می‌کنم. این حقیر گستاخی کرده و این کتاب را از نوشته‌های نویسندگان لاتین و از کتاب مقدس گرد آورده و آن را به زبان ساده مردمان ترجمه کرده‌ام تا در تهذیب و تزکیه عوام الناس که جز به این زبان [انگلیسی] نمی‌خوانند و نمی‌شنوند به کار آید. از این روست که در آن از کلمات دشوار پرهیز کرده و تنها به زبان ساده سخن گفته‌ام تا پیام ما به آسانی در دل کسانی که آن را می‌خوانند و می‌شنوند بنشیند و جانهای آنان را که جز به زبان مادری تعلیم نتوانند دید، سودی برساند.

در تألیف این کتاب چنان گام برداشته‌ام که فیض الاهی رهنمونم بوده است. و در این کار بر این روش بوده‌ام که از آوردن الفاظ دشوار و عبارات غریب پرهیز کنم و از کلمات و عبارات ساده زبان این مردم سود جویم، زیرا مراد من بهره‌گیری شنوندگان از کلامی ساده بوده نه ستایش شنیدن به پاس تألیف گفتاری عالمانه، که سادگی طبع من همواره از آن دوری جسته است.

1. Aelfric

2. Aethelwold

3. Sigeric

از مقدمه ترجمه سفر پیدایش (از کتاب مقدس)

الفریک راهب سلام خاکسارانه خود را نثار عالی جناب اتل ورد^۱ می‌کند.

آنگاه که تو، دوست ارجمند، از من خواستی تا سفر پیدایش را از زبان لاتین به انگلیسی ترجمه کنم، مرا یارای انکار درخواست تو نبود. باری، خواست تو این بود که من تنها از آغاز کتاب تا داستان اسحاق پسر ابراهیم را بر عهده گیرم، که دیگران پیش از آن بقیه کتاب را ترجمه کرده بودند. اکنون از آن می‌ترسم که این ترجمه برای من و برای هر کس دیگر زیانبار باشد، زیرا بیم آن دارم که جاهلانی چند این کتاب بخوانند یا قرائت آن بشنوند و پیش خود چنین اندیشه کنند که با رخصت از این کتاب می‌توانند بر روش آبابی عهد عتیق، یا بر روش مردمانی که بر شریعت موسی می‌زیستند، زندگی کنند. من خود زمانی راهبی را می‌شناختم که با زبان لاتین آشنا بود و نسخه‌ای از سفر پیدایش در تملک خود داشت. این راهب در اشاره به این روایت حریص بود که یعقوب چهار همسر - دو خواهر و دو کنیز ایشان - داشته است. این گفته او راست بود، اما آن مرد این قدر در نیافته بود، و من نیز آن زمان در نیافتم، که میان آنچه در قدیم رخصت یافته و آنچه امروز روا می‌شمریم تفاوت بسیار است. در اعصار گذشته برادر خواهر را به زنی می‌گرفت و گاه دختران از پدران بار می‌گرفتند، بسیاری از مردان به نیت فرونی خلق، چند همسر داشتند و آدمی مجاز بود که تنها از جمع خویشاوندان جفت بگزیند. هر کس که امروز، بعد از ظهور مسیح، همچون مردمانی بزید که بر شریعت موسی می‌زیستند، آن کس مسیحی نیست. کشیش‌های نادان اگر اندکی بویی از معنای کتابهای لاتین برده باشند خود را آموزگاران بزرگ می‌شمارند، اما این قدر نمی‌دانند که عهد عتیق پیش‌بینی رخدادهای آینده بود و عهد جدید، بعد از ظهور مسیح، تحقق چیزهایی که عهد عتیق درباره مسیح و بعثت او خبر داده بود. این کشیشان اغلب می‌پرسند که چرا نمی‌توانند همچون پطرس همسرانی داشته باشند، اما نه می‌دانند و نه می‌شنوند که پطرس پیش از آن که عیسی مسیح بیاید و کتاب خود را تعلیم دهد، به آیین موسی می‌زیست، و خود نخستین کس بود که به مسیح گروید و از آن پس زن و خان و مان رها کرد... شگفتا که ما پیوسته می‌گوییم که این کتاب معانی بس ژرف دارد، اما خود جز معنای ظاهری آن را بر نمی‌گیریم... ما [در ترجمه] هرگز بیش از آنچه در متن لاتین آمده نخواهیم آورد مگر در آنجا که الزامات زبان انگلیسی ضروری می‌دارد...

باری من در اینجا اعلام می‌کنم که از این پس هیچ کتابی را از لاتین به انگلیسی بر نخواهم گرداند، و از تو، سرور ارجمند، می‌خواهم که بر این خواست پای نشاری، که اگر چنین باشد می‌باید سر از فرمان تو بیچم یا عهد خود بشکنم. و از همه آنان که از این کتاب نسخه‌ای می‌نویسند به لابه می‌خواهم که این کار به امانت بگذارند و جز آن چه در آن آمده ننویسند، که اگر کاتبی لابلالی در کار خود سهو و خطایی روا دارد، من او را باز نتوانم داشت. □